

سیاست جذب دانشجوی غیرایرانی: اهداف و ارکان

بهرام نوازی*

مقدمه

ایران پس از انقلاب اسلامی رویکرد جدیدی به جهان کرد و آن گونه که در قانون اساسی خود به صراحت بیان کرده است «سعادت بشر در کل جهان» را هدف نهایی خود دانسته است. بر اساس این رویکرد هیچ مرز جغرافیایی در مقابل پیام اسلام و انقلاب اسلامی احساس نمی‌شود و امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار این انقلاب، نهضت خود را مرحله‌ای از یک نهضت فراگیر می‌دانست که به زودی با تداوم خود، جهان، و از جمله جهان اسلام را در نور خواهد دید. دولت جمهوری اسلامی برای رسیدن به این هدف تلاش‌های بسیاری کرده است که از میان اینها می‌توان اتخاذ سیاست پذیرش دانشجوی غیرایرانی در دانشگاه‌های ایران را نام برد و این مقاله ضمن مراجعه به قوانین موضوعه و اسناد مربوطه تلاش می‌کند تا علل و انگیزه‌های جمهوری اسلامی ایران در پذیرش دانشجوی غیرایرانی را شناسایی و تحولات این سیاست را در طول دوره پس از

* عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی و مدیر دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۷۲۴ / بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران —
پیروزی انقلاب اسلامی، از تمرکزگرایی تا تمرکززدایی و از فردگرایی یا ساختارگرایی، را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. این پژوهش علاوه بر قوانین و آیین‌نامه‌های وزارتی بر مشاهدات شخصی و نظرات کارشناسی استوار است و امیدوارم که در پایان بتوانم راهکار مناسبی برای جابه‌جایی دانشجو که اولویت نخست بین‌المللی کردن آموزش عالی است ارائه نمایم.

۱) سیاست جذب دانشجوی غیرایرانی

توجه و تأکید رهبران انقلاب اسلامی مبنی بر استفاده از علم و توسعه علمی کشور و همچنین تقویت بنیان علمی مسلمانان و مستضعفان جهان که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی صورت گرفت بی‌تردید ناشی از ارج و منزلتی بود که اسلام از بدو ظهور برای همه‌گونه علوم و فنون نظری و کاربردی در همه رشته‌ها قائل بود. بند ۶ از اصل ۲ قانون اساسی یکی از پایه‌های جمهوری اسلامی را «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا» دانسته که «از راه استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آن‌ها... تأمین می‌کند». بر طبق اصل ۳ نیز دولت جمهوری اسلامی موظف شد که برای دستیابی به این هدف به «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها» (بند ۱) و «تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت» اقدام کند. به این ترتیب از نظر جمهوری اسلامی ایران علوم و فنون وسایلی مادی برای نیل به هدف دینی که همان کرامت و ارزش والای انسانی باشد بوده است.

این موضوع و همبستگی و همراهی علم با دین در وصیت‌نامه امام خمینی (ره) نیز مورد تأکید قرار گرفته بود و از نظر وی این دو به‌عنوان دو «ابزار جهان‌شناسی و در خدمت بشر» به شمار می‌رفت و بر لزوم تربیت

سیاست جذب دانشجوی غیرایرانی: اهداف و ... / ۷۲۵

دانشمندان «در رشته‌های دیگر علوم به مناسبت احتیاجات کشور و اسلام» اصرار می‌ورزید. امام خمینی در پیام مشهور به منشور روحانیت در ۳ اسفند ۱۳۶۷ پس از اعلام انزجار از حوادث و وقایعی که منجر به پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ شده بود به جوانان ایرانی سفارش کرده بود که خود را «برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی» آماده کنند و به مقامات ایرانی هم توصیه نمود که «به هر شکل ممکن، وسایل ارتقاء اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را» فراهم سازند و آنان را «تا مرز رسیدن به بهترین ارزش‌ها و نوآوری‌ها» همراهی کنند و «روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارند». از نظر وی این «مبارزه علمی» می‌توانست برای جوانان موجب زنده شدن «روح جستجو و کشف واقعیت‌ها و حقیقت‌ها» گردد و شکل مکمل «مبارزه عملی آنان، در بهترین صحنه‌های زندگی و جهاد و شهادت» باشد.

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری، نیز علم، جایگاه ویژه و اهمیت بالایی در رسیدن به هدف نهایی انقلاب اسلامی دارد تا آنجا که اعلام می‌دارد «یک ملت با اقتدار علمی است که می‌تواند سخن خود را به گوش همه افراد دنیا برساند با اقتدار علمی است که می‌تواند سیاست برتر و دست‌والا را در دنیای سیاسی حائز شود». این موضوع در گفته‌های یک سردار سپاهی، تناسب بیشتری با موضوع این پژوهش پیدا کرده است. وی در مصاحبه‌ای اعلام کرد «سنگر علم مهم‌ترین سنگری است که امنیت جامع ما را در دنیای کنونی تأمین می‌کند». (۱)

یکی از ابعاد این تلاش علمی برای دستیابی به هدف نهایی انقلاب اسلامی، در سیاست پذیرش دانشجوی غیرایرانی نهفته بود و در این جهت مراکز دولتی و عمومی غیردولتی مختلفی فعالیت می‌کنند و ابزار عمده آن

۷۲۶ / بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران —
آموزش مسلمانان و غیرمسلمانان غیرایرانی بر طبق آموزه‌های اسلامی و
انقلابی و همچنین توسعه علم و کسب بالاترین درجات علمی بوده و امید
می‌رود که ضمن حفظ امنیت جامع جمهوری اسلامی بتوان به کمک آن
جمهوری اسلامی و دستاوردهای آن را به جهانیان معرفی کرد. برخی از این
مراکز همچون مرکز جهانی علوم اسلامی که از سال ۱۳۶۵ عهده‌دار آموزش و
تربیت طلاب غیرایرانی علوم دینی سراسر جهان بوده است زیر نظر مستقیم
مقام رهبری قرار دارند یا همچون دانشگاه امام صادق (ع) که به‌عنوان اولین
دانشگاه غیردولتی در سال ۱۳۶۱ پایه‌گذاری شد، مقام معظم رهبری به‌عنوان
عضوی از هیئت‌امنای آن‌ها در اداره آن‌ها نظارت دارد و برخی نیز وابسته به
دولت و وزارتخانه‌های دولتی هستند که از جمله این‌ها دانشگاه بین‌المللی
امام خمینی (ره) وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری می‌باشد.

۲) اهداف جذب دانشجوی غیر ایرانی

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) از دو ویژگی منحصر به فرد برخوردار است
که آن را از دیگر مراکز آموزش عالی کشور متمایز ساخته است: نخست اینکه
این دانشگاه، تنها مرکز آموزش عالی کشور است که براساس قانون مصوب
مجلس شورای اسلامی تأسیس یافته است. «قانون تأسیس دانشگاه بین‌المللی
اسلامی ایران» در ۲۴ ماده و ۵ تبصره در جلسه ۱۹ دی ۱۳۶۲ مجلس شورای
اسلامی تصویب و در ۲۹ دی ۱۳۶۲ به تأیید شورای نگهبان رسید و طی نامه
شماره ۴۶۰۳/۱ مورخ ۱۳۶۲/۱۱/۴ از سوی رییس‌جمهور برای اجرا به
نخست‌وزیری ابلاغ گردید. این قانون به اهداف، ساختار و مقررات
استخدامی هیئت‌علمی و گزینش دانشجویان داخلی و خارجی و دیگر
مقررات اداری و مالی پرداخته است و با تصویب آن کلیه قوانین و

سیاست جذب دانشجوی غیرایرانی: اهداف و ... / ۷۲۷

اساس‌نامه‌های مغایر منسوخ گردید. ماده ۱ این قانون، دانشگاه را «یک
مؤسسه آموزشی و فرهنگی» معرفی می‌کند که زیر نظر «وزارت فرهنگ و
آموزش عالی» (وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری کنونی) به منظور «معرفی
فرهنگ و تمدن و معارف اسلامی که بزرگ‌ترین حامی علم و عالم در جهان
بوده است و احیاء شیوه تعلیمی و تربیتی آن» تشکیل شده است.

از دیگر اهداف این دانشگاه عبارت است از:

- بهره‌گیری از علوم و فنون براساس موازین اسلامی؛
- تربیت متخصصان متعهد به منظور بی‌نیازی علمی و فرهنگی
کشورهای اسلامی و کشورهای مستضعف از جوامع مستکبر و سلطه‌جو،
عالمان غیرمسلمان و غیرمتعهد؛
- گسترش و تحقق فرهنگ اسلامی در جهان اسلام؛
- نشر فرهنگ و معارف اسلامی در سطح بین‌المللی؛
- برقراری ارتباط با شخصیت‌ها و مراکز علمی جهان به‌ویژه
شخصیت‌ها و مراکز اسلامی؛
- کمک به گسترش تحصیلات عالی کشور.

ویژگی دوم این دانشگاه برخورداری از انحصار آموزش و تربیت
دانشجویان غیرایرانی متقاضی تحصیل در ایران بوده است و تنها به این
دانشگاه اجازه جذب دانشجوی خارجی داده شده است. واژگان به‌کاررفته در
عنوان این دانشگاه حاکی از رویکردهای چندجانبه‌ای است که در تأسیس این
نهاد علمی مورد توجه بوده است. منظور از «بین‌المللی» بودن دانشگاه، جذب
و پذیرش دانشجویان کشورهای مختلف جهان برای آموزش در دوره‌های
مختلف دانشگاهی بود. با وجود رسمی بودن زبان فارسی در کشور، اهمیت
بین‌المللی دانشگاه موجب شده بود که در ماده ۶ علاوه بر زبان فارسی،

۷۲۸ / بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران —
«تدریس به زبان عربی و اردو و سایر زبان‌ها» نیز «برحسب نیاز» مجاز شمرده شود و در ماده ۲۰ نیز به دانشگاه اجازه داده شود که «در صورت ضرورت، با رعایت اصل ۸۲ قانون اساسی به استخدام متخصصان خارجی حتی الامکان مسلمان واجد صلاحیت علمی، اخلاقی و دینی اقدام کند» و یا «عده‌ای از فارغ‌التحصیلان برجسته مسلمان و متعهد دوره‌های عالی (لیسانس یا کارشناس به بالا) را برای احراز تخصص به خارج اعزام نماید».

دانشگاه بین‌المللی در این قانون، «اسلامی» خوانده شده چراکه از جمله شرایط سنگین پذیرش داوطلبان اعم از ایرانی و غیرایرانی، مسلمان بودن و برخورداری آن‌ها از تعهد و التزام عملی به تعالیم اسلامی بوده است. ماده ۲۱ در این باره چنین اعلام داشته است:

دانشجویان این دانشگاه از میان داوطلبان داخلی و خارجی مسلمان و متعهد به اسلام و ملتزم عملی به دستورات آن به شرح زیر انتخاب می‌شوند:

(۱) دانشجویان داخلی، بر طبق ضوابط گزینش دانشجویان دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی کشور؛

(۲) دانشجویان خارجی بر اساس رسیدگی به پرونده داوطلبان و ضوابط مربوط توسط دانشگاه تنظیم و پس از تصویب وزارت فرهنگ و آموزش عالی به وسیله وزارت امور خارجه (نمایندگی‌های سیاسی ایران) اعمال می‌شود.

تبصره ماده ۲۱ نیز که تذکر می‌دهد «تعداد دانشجویان داخلی دانشگاه در هر نوبت گزینش نباید از یک‌سوم ظرفیت آن کمتر باشد»؛ در واقع بدین معنی بوده است که این دانشگاه با وجودی که به‌عنوان مرکز پذیرش دانشجوی غیرایرانی به شمار می‌رود، اما تعداد این دانشجویان نباید از دوسوم کل دانشجویان بیشتر شود، بلکه دانشجویان غیرایرانی باید در معاشرت با دانشجویان ایرانی انس پیدا کرده و با فرهنگ اسلامی و انقلابی ایرانیان به‌طور

سیاست جذب دانشجوی غیرایرانی: اهداف و ... / ۷۲۹
عملی‌آشنایی پیدا کنند. به این ترتیب از نظر قانون‌گذاران تنها ادامه تحصیل مسلمانان متعهد کشورهای دیگر در داخل کشور مجاز شمرده شده بود و آن هم باید از مجرای خاصی و تنها با پذیرش در «دانشگاه بین‌المللی اسلامی ایران» می‌پذیرفت.

اساس‌نامه این دانشگاه که علاوه بر اهداف، ارکان تصمیم‌گیرنده این نهاد را مشخص می‌سازد در ۳۰ تیر ۱۳۷۷ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. در این اساس‌نامه از دانشگاه به‌عنوان «مؤسسه‌ای آموزشی، پژوهشی و فرهنگی زیر نظر وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری» یاد شده که به منظور «معرفی فرهنگ و تمدن و معارف اسلامی که بزرگ‌ترین حامی علم و عالم در جهان است و در راستای احیای شیوه‌های تعلیمی و تبلیغی آن» با اهداف زیر تأسیس شده است:

۱. گسترش و تحقق فرهنگ اسلامی در جهان اسلام؛
۲. نشر فرهنگ و معارف اسلامی در سطح بین‌المللی؛
۳. شناساندن شخصیت‌های جهان اسلام برای تعمیق فرهنگ اسلامی؛
۴. بهره‌گیری از علوم و فنون در راستای فرهنگ اسلامی؛
۵. تربیت متخصصان متعهد به منظور خوداتکایی علمی و فرهنگی کشورهای اسلامی؛
۶. کمک به گسترش تحصیلات عالی کشور.

در این اساس‌نامه، به ملزومات واقعی توجهی بیشتر از گذشته صورت گرفته و میان «جهان اسلام» و «صحنه بزرگ‌تر «بین‌المللی» تفاوت و فاصله‌ای در نظر گرفته شده است که هدف دانشگاه برای جهان، ترویج و «نشر فرهنگ و معارف اسلامی» و برای جهان اسلام، «گسترش و تحقق فرهنگ اسلامی» تعیین گردیده است. توجه به زبان فارسی نیز از دیگر

۷۳۰ / بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران —

اهرم‌های مؤثر در این زمینه دیده شده و در ماده ۲ اساس‌نامه، زبان فارسی را برای تدریس در دانشگاه الزامی دانسته و تدریس به سایر زبان‌ها را تنها «بر حسب نیاز و ضرورت» و مشروط به «پیشنهاد شورای دانشگاه و تصویب هیئت‌امنا» مجاز شمرده شده است. بر اساس این اساس‌نامه، هیئت‌امنا دانشگاه که رکن نخست دانشگاه به شمار می‌رود متشکل از رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس هیئت‌امنا، وزیر فرهنگ و آموزش عالی به‌عنوان نایب‌رئیس، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزیر امور خارجه، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه، چهار تا شش نفر از شخصیت‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی کشور که نقش مؤثری در توسعه و پیشرفت دانشگاه داشته باشند و رئیس دانشگاه به‌عنوان دبیر شورا می‌باشد.

بند ۱۵ از ماده ۵ اساس‌نامه «ظرفیت دانشجو در هر سال» را «با رعایت اولویت دانشجوی خارجی به‌نحوی که تعداد دانشجویان خارجی از نصف کمتر نباشد» تعیین کرده بود. وقتی این بند از اساس‌نامه را در کنار تبصره ماده ۱۹ قانون تأسیس «دانشگاه بین‌المللی اسلامی ایران» بگذاریم متوجه می‌شویم که دو حداقل برای تعداد دانشجویان این دانشگاه تعیین شده است: یک «حداقل یک‌سوم» برای تعداد دانشجویان داخلی (تبصره ماده ۱۹ قانون) و یک «حداقل نصف» هم برای تعداد دانشجویان غیرایرانی (بند ۱۵ ماده ۵ اساس‌نامه). این بدین معنی است که توسعه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی باید در درجه اول بر پایه افزایش دانشجویان غیرایرانی آن باشد و تنها با افزایش تعداد این دانشجویان می‌تواند به تعداد دانشجویان ایرانی خود بیفزاید.

رویکردهای متفاوت و بعضاً متضاد میان قانون تأسیس و اساس‌نامه حل و فصل نشده بود که پای آیین‌نامه‌های اجرایی وزیران علوم، تحقیقات و

سیاست جذب دانشجوی غیرایرانی: اهداف و ... / ۷۳۱

فن‌آوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی هم به‌معرکه باز گردید. «آیین‌نامه پذیرش دانشجویان غیرایرانی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی جمهوری اسلامی» که در اردیبهشت ۱۳۸۵ به امضاء این دو وزیر رسید حاوی تغییرات فاحشی بود. در مقدمه این آیین‌نامه ضمن تأکید بر «کارکرد راهبردی» آموزش در «رقابتی گسترده و با ژرفایی عمیق و پهنایی وسیع میان دولت‌ها»، هدف از اعطای بورس تحصیلی را «جذب هرچه بیشتر نخبگان، اندیشمندان و کارشناسان سایر کشورها در جریان» این رقابت دانسته و مسئولیت «جمهوری اسلامی به‌عنوان ام‌القرای مسلمان» را «خطیر و بس سنگین» و آن را فراتر از گذشته در حمایت از جوانان مستعد، به‌ویژه جوانان کشورهای اسلامی عنوان نموده است. به این ترتیب و به‌لحاظ نظری جمهوری اسلامی خود را به داوطلبان مسلمان اکتفا نکرده و دایره فعالیت خود را گسترده‌تر می‌کرد و در فعالیت‌های فرهنگی خود به زبان فارسی و گسترش فرهنگ ملی نیز توجه خاصی مبذول می‌کرد؛ همان کاری که در عمل از سال‌ها پیش آغاز کرده بود. با مراجعه اتفاقی به ۱۰۰ پرونده پذیرفته‌شدگان از ۱۰ کشور مختلف متوجه شدیم که ۵٪ این‌ها مسیحی و ۲٪ بودایی بوده‌اند و چنان‌که جدول مردودان نشان می‌دهد، کمیته علمی هیچ‌گاه مذهب را عامل تعیین‌کننده در پذیرش یا رد داوطلبان غیرایرانی به‌شمار نیاورده بود. در ماده ۱ این آیین‌نامه اهداف این سیاست بدین شرح اعلام شده است:

۱. گسترش زبان و ادبیات فارسی و ایجاد و تقویت کرسی‌ها و گروه‌های زبان و ادبیات فارسی؛
۲. گسترش روابط علمی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای دیگر جهان؛

۳. حمایت از جوانان مستعد کشورهای اسلامی؛
۴. فراهم نمودن بستر مناسب برای شناساندن بیشتر و بهتر جمهوری اسلامی؛
۵. معرفی، نشر و توسعه فرهنگ ایرانی اسلامی؛
۶. کمک به رشد و توسعه بهداشت و درمان در کشورهای اسلامی و در حال توسعه؛
۷. تربیت متخصصان متعهد به منظور کمک به خودکفایی علمی کشورهای اسلامی.

۳) ارکان جذب دانشجوی غیر ایرانی

علاوه بر اهداف، این تحول دامن‌گیر ارکان تصمیم‌گیرنده و به‌طور کلی سیاست پذیرش دانشجوی غیرایرانی گردید. رویکرد جدید حاکم بر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و همچنین وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بر تمرکززدایی استوار شده بود و براساس آیین‌نامه جدید نحوه پذیرش دانشجویان خارجی مصوب ۱۳۸۵/۵/۱۰ ترکیب کمیته بررسی صلاحیت علمی متقاضیان غیرایرانی دست‌خوش تغییر شد.

براساس بررسی‌های چندین ساله وزارت فرهنگ و آموزش عالی وقت، قزوین به‌عنوان مناسب‌ترین محل احداث این دانشگاه انتخاب گردید و این دانشگاه در سال ۱۳۷۱ با ادغام در مجتمع آموزش عالی دهخدا قزوین با نام جدید «دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)» آغاز به کار کرد. براساس آیین‌نامه پذیرش دانشجویان خارجی که در تاریخ ۱۳۷۳/۳/۲۷ به تصویب شورای هماهنگی پذیرش و تأیید وزیر فرهنگ و آموزش عالی و وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی وقت رسید، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی مرجع رسیدگی به امور مربوط به پذیرش متقاضیان خارج از کشور تعیین شد و به

همین دلیل اداره دانشجویان خارجی این دانشگاه موظف شد تا مدارک و اسناد متقاضیان را بررسی کرده و برای پذیرش داوطلبان براساس ضوابط مربوط به کمیته علمی پذیرش دانشجویان خارجی اقدام نماید. ماده ۷ آیین‌نامه‌ای که در هجدهمین جلسه کمیته علمی در تاریخ ۱۳۷۳/۱۲/۲۲ به تصویب رسیده بود، مکان برگزاری جلسات کمیته علمی در دفتر دانشگاه بین‌المللی امام خمینی در تهران معرفی شد.

در پاییز سال ۱۳۷۴ براساس درخواست سرپرست وقت دانشجویان خارجی دانشگاه از مدیرکل وقت امور دانشجویان داخل وزارت فرهنگ و آموزش عالی، این وزارتخانه با تشکیل و استقرار یک دبیرخانه مرکزی، و پذیرش دانشجو در دانشگاه موافقت نمود تا مسئولیت بررسی و کارشناسی کلیه مدارک و سوابق ارسالی از طریق هیئت‌های اعزامی و یا تقاضاهای شخصی و معرفی‌نامه‌های دولتی را عهده‌دار شود و مسئولیت این کار تا زمان ورود دانشجو به رشته اصلی در اختیار دانشگاه باشد. دبیرخانه اختیار داشت تا در اواخر تیرماه و آذرماه هر سال نسبت به پذیرش قطعی از طریق کمیته علمی و با رعایت اولویت‌های مورد نظر اقدام نماید. بررسی درخواست متقاضیان خارجی تا قبل از ورود دانشجو به رشته اصلی خود به عهده دانشگاه محول شد و پس از ورود دانشجو به رشته اصلی متقاضی تحت قوانین آموزشی معمول وزارتخانه قرار می‌گرفت. دبیرخانه موظف بود که نتایج امور آموزشی دانشجویان خارجی را به اداره کل امور دانشجویان داخل وزارت علوم و بهداشت اعلام نماید.

بر این اساس دانشجویان خارجی پس از گذراندن مراحل پذیرش، مطابق مقررات ملزم به گذراندن دوره‌های فراگیری زبان فارسی و پیش‌دانشگاهی به مدت ۹ ماه بودند و به همین منظور کلیه آنان به مرکز آموزش زبان فارسی

۷۳۴ / بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین الملل در ایران —
 دانشگاه بین المللی امام خمینی در قزوین معرفی می شدند و پس از گذراندن این مدت اختیار داشتند که وارد رشته های این دانشگاه یا برخی دیگر از دانشگاه های طراز اول کشور شوند و به این ترتیب نخستین تجربه این دانشجویان از ایران اسلامی و مسلمانان ایرانی در دانشگاه بین المللی امام خمینی به دست می آمد.

کمیته علمی تا سال ۱۳۷۷ همچنان در دبیرخانه مرکزی واقع دفتر دانشگاه بین المللی امام خمینی در دربند تهران مستقر بود، ولی از این سال به وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری منتقل گردید، درحالی که همچنان مسئولیت دریافت و بررسی درخواست های شخصی داوطلبان، معرفی نامه های نهادهای مختلف دولتی و همچنین اعزام هیئت هایی به خارج از کشور برعهده دبیرخانه مرکزی بود تا اینکه در سال ۱۳۸۲ این مهم نیز به محل وزارت منتقل گردید. در دوره ای که از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ ادامه یافت، حساسیت ویژه ای در تعیین مدیریت این دبیرخانه صورت می گرفت به طوری که نامزد این سمت پس از تأیید «مراجع ذی صلاح» از سوی رییس دانشگاه منصوب و «سرپرستی دانشجویان خارجی» را برعهده می گرفت تا با استفاده از امکانات و کارشناسان دبیرخانه اقدام به تشکیل و پی گیری پرونده های داوطلبان تحصیل در دانشگاه بین المللی امام خمینی یا دیگر دانشگاه های ایران بنماید. اما از سال ۱۳۷۹ به بعد این مراجع در سیاست های خود تجدیدنظر کرده و فعالیت دبیرخانه را به دانشگاه واگذار نمود و تنها بر نظارت کلی خود که از سوی یک نماینده خود در کمیته بررسی صلاحیت علمی متقاضیان غیرایرانی اکفا کرد. از این زمان تا سال ۱۳۸۲ که دبیرخانه پذیرش دانشجوی غیرایرانی در دفتر دانشگاه در تهران مستقر بود، سرپرستی دبیرخانه مستقلاً از سوی رییس دانشگاه تعیین می گردید.

سیاست جذب دانشجوی غیرایرانی: اهداف و ... / ۷۳۵

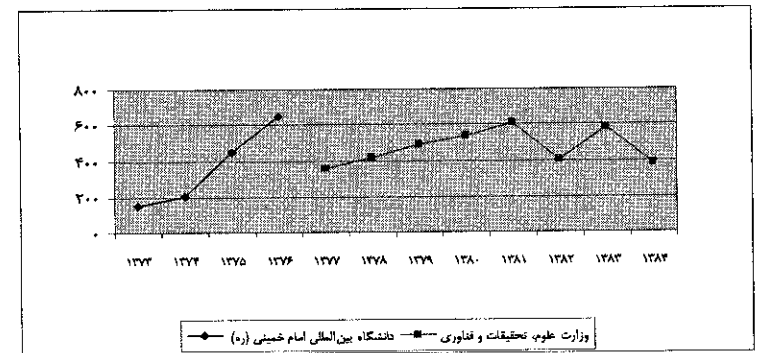
آمار موجود از تعداد پذیرفته شدگان نشان می دهد که فعالیت کمیته علمی از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۶ که در دفتر دانشگاه بین المللی امام خمینی در تهران مستقر بود روندی مستقیم و رو به رشد داشته به طوری که در ظرف ۴ سال این تعداد را به بیش از ۴ برابر میزان اولیه خود رسانده بود. اما از سال ۱۳۷۷ که این کمیته در محل وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری متمرکز گردید، تعداد پذیرش به یکباره به حدود نصف خود کاهش یافت و این روند حتی از سال ۱۳۸۲ که دبیرخانه مرکزی در دفتر دانشگاه تعطیل و امر تشکیل و بررسی پرونده ها نیز به محل وزارت یادشده منتقل گردید به فراز و نشیب خود ادامه داده است.

جدول ۱: آمار پذیرفته شدگان ۱۳۷۳ در دبیرخانه دانشگاه بین المللی امام خمینی

سال	محل کمیته علمی	تعداد پذیرفته شدگان
۱۳۷۳	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	۱۵۲
۱۳۷۴	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	۲۰۲
۱۳۷۵	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	۴۵۱
۱۳۷۶	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	۶۵۰
۱۳۷۷	وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری	۳۵۹
۱۳۷۸	وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری	۴۱۴
۱۳۷۹	وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری	۴۹۲
۱۳۸۰	وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری	۵۳۷
۱۳۸۱	وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری	۶۰۸
۱۳۸۲	وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری	۴۰۲
۱۳۸۳	وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری	۵۸۰
۱۳۸۴	وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری	۳۸۳
	جمع	۵۲۳۰

رییس سابق دبیرخانه مرکزی پذیرش دانشجویان غیرایرانی دانشگاه بین المللی امام خمینی، با استناد به «بایگانی رایانه ای» این دبیرخانه گزارشی از «رقم پذیرفته شدگان و شاغلین به تحصیل در ایران» ارائه نموده که با واقعیت

۷۳۶ / بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران —
 فاصله بسیاری دارد (۲). گزارش وی مربوط به دوره «۱۳۷۰ تا ۱۳۸۲» است
 درحالی که دانشگاه بین‌المللی امام خمینی در سال ۱۳۷۱ و دبیرخانه پذیرش
 دانشجوی آن در سال ۱۳۷۳ آغاز به کار کرده بود. اولین صورت‌جلسه کمیته
 علمی به تاریخ ۱۳۷۳/۵/۱۹ در دبیرخانه ثبت شده است. در گزارش وی «رقم
 پذیرفته‌شدگان و شاغلین به تحصیل در ایران برابر ۲۵۷۸ نفر از ۷۳ ملیت»
 عنوان شده، درحالی که باید میان پذیرفته‌شدگان و شاغلین به تحصیل تفاوت
 قائل شد. بایگانی دبیرخانه، حاکی از تعداد کل پذیرفته‌شدگان است و نه افراد
 شاغل به تحصیل در ایران، و تازه رقم درست تعداد پذیرفته‌شدگان ۷۳۲۶ نفر
 است. به عبارت بهتر از آمار بایگانی نمی‌توان فهمید که دانشجوی
 پذیرفته‌شده اساساً وارد ایران شده یا نه و اگر هم وارد کشور شده باشد در
 حال گذراندن دوره آموزش زبان است یا در رشته مورد علاقه خود ثبت‌نام
 کرده و وارد دانشگاه شده است. تازه در این حالت باز هم معلوم نیست که
 دانشجو در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی یا دیگر دانشگاه‌ها مشغول تحصیل
 شده باشد و این احتمال بعید نیست که برخی از آنان در طول تحصیل بنا به
 دلایل مختلفی از کشور اخراج یا از ادامه تحصیل منصرف شده باشند.



نمودار ۱: میزان فعالیت کمیته علمی مستقر در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی و وزارت علوم

سیاست جذب دانشجوی غیرایرانی: اهداف و ... / ۷۳۷
 گزارشی که براساس صورت‌جلسات کمیته علمی تهیه شده است تعداد
 پذیرفته‌شدگان در هر سال، اعم از آنکه این نشست‌ها در محل دانشگاه یا
 در وزارت بوده است را به شرح جدول شماره ۱ ارائه کرده است که
 بالاترین میزان پذیرش مربوط به سال ۱۳۸۱ است که رقم آن استثنائی و
 به دلیل پذیرش تعداد ۳۸۲ تبعه افغانستان از طریق آزمون بوده است و جمع
 این تعداد از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۴ به میزان ۵۳۲۰ نفر بوده است. اما به نظر
 می‌رسد که آخرین آماری که در وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری تهیه و
 نگهداری می‌شود از درجه صحت بالاتری برخوردار باشد.

در این آمار که به تاریخ ۱۳۸۶/۲/۸ تهیه شده است بدون احتساب
 پذیرش صادره که اشکال آمار پیشین را در پی می‌داشت، رقم دقیق
 دانشجویان غیرایرانی شاغل به تحصیل در ایران را برحسب کشور متبوع،
 جنسیت، نوع بورسیه، رشته و مقطع تحصیل، وضعیت خانواده و دانشگاه
 محل تحصیل طبقه‌بندی کرده و رقم کل آن را ۸۵۱ نفر از ۷۱ ملیت اعلام
 کرده است.

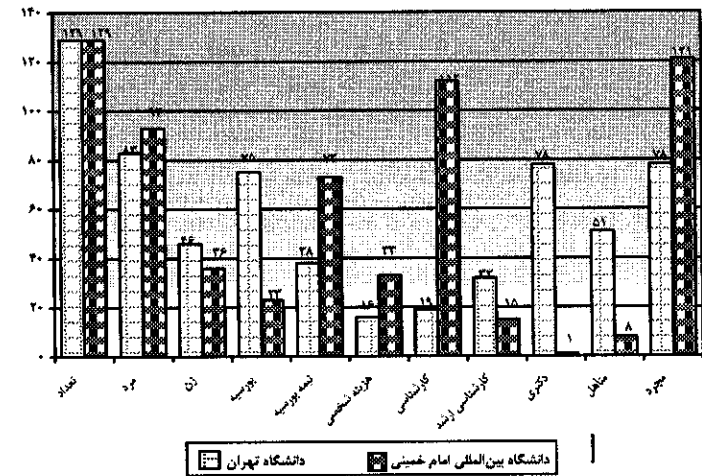
جدول دیگری که از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری تهیه شده
 است حاکی از پراکندگی دانشجویان غیرایرانی در دانشگاه‌ها و دیگر
 مؤسسات آموزش عالی ایران است (به جدول شماره ۲ نگاه کنید). چنان‌که
 جدول نشان می‌دهد، تجمع عمده دانشجویان غیرایرانی تنها در دو دانشگاه
 بین‌المللی امام خمینی و دانشگاه تهران است که از نظر تعداد جذب و
 پذیرش دانشجویان غیرایرانی مورد عنایت یکسانی از سوی اداره دانشجویان
 داخل وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری قرار گرفته‌اند.

دانشگاه	تعداد	درصد
ارومیه	۵	۰/۵۹
اصفهان	۳۵	۴/۱۱
الزهراء	۱۷	۲/۰۰
امام صادق	۶	۰/۷۱
بوعلی سینا	۲۷	۳/۱۷
بین‌المللی امام خمینی	۱۲۹	۱۵/۱۶
پیام نور	۱	۰/۱۲
تبریز	۱۰	۱/۱۸
تربیت مدرس	۵۴	۶/۳۵
تربیت معلم تهران	۳	۰/۳۵
تهران	۱۲۹	۱۵/۱۶
تهران مجتمع آموزش عالی قم	۳	۰/۳۵
جامع علمی کاربردی	۱	۰/۱۲
خبر	۹	۱/۰۶
خواججه نصیرالدین طوسی	۱۱	۱/۲۹
دانشکده اصول دین	۶	۰/۷۱
رضوی مشهد	۵	۰/۵۹
روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه	۴	۰/۴۷
زنجان	۳	۰/۲۴
سیستان و بلوچستان	۳	۰/۳۵
شهید باهنر کرمان	۱	۰/۱۲
شهید بهشتی	۴۰	۴/۷۰
شهید چمران	۱۴	۱/۶۵
شیراز	۲۲	۲/۵۹
صدا و سیما	۱۴	۱/۶۵
صنعت نفت	۱۰	۱/۱۸
صنعت هواپیمایی کشور	۱	۰/۱۲
صنعتی اصفهان	۴	۰/۴۷
صنعتی امیرکبیر	۱۸	۲/۱۲
صنعتی شریف	۸	۰/۹۴
علامه طباطبائی	۵۶	۶/۳۵

دانشگاه	تعداد	درصد
مؤسسه آموزش عالی بنیه	۳	۰/۳۵
علم و صنعت ایران	۱۷	۲/۰۰
علوم دریایی چابهار	۱	۰/۱۲
علوم و حدیث قم	۱	۰/۱۲
فردوسی مشهد	۵۴	۶/۳۵
قم	۱۳	۱/۵۳
کاشان	۸	۰/۹۴
گرگان	۲	۰/۲۴
گیلان	۱۸	۲/۱۲
مازندران	۱۷	۲/۰۰
مرکز آموزش اهل بیت	۱	۰/۱۲
مفید قم	۲۲	۲/۵۹
مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم	۲	۰/۲۴
مؤسسه آموزش عالی کار قزوین	۳	۰/۳۵
مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران	۱	۰/۱۲
هنر	۲۳	۲/۷۰
هنر اصفهان	۳	۰/۳۵
یزد	۶	۰/۷۱

نگاهی به نمودار شماره ۲ معلوم می‌نماید که این توجه مساوی تنها در تعداد دانشجویان است و نه در مقطع و رشته تحصیلی؛ چراکه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی به دلیل تازه تأسیس بودن آن در حال حاضر تنها ۳۳ رشته تحصیلی دارد که در مقطع دکتری بیش از دو رشته ادبیات فارسی و ریاضی محض ندارد و این دو هم، تنها در سال جاری اقدام به پذیرش دانشجو نموده‌اند در حالی که دانشگاه تهران از تنوع بسیار بیشتری در رشته‌ها و مقاطع تحصیلی خود برخوردار است و همین سبب شده تا در مقطع کارشناسی بیشترین تجمع دانشجویان غیرایرانی در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، و در دو مقطع کارشناسی ارشد و دکتری بیشترین تجمع در دانشگاه

۷۴۰ / بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران —
تهران صورت پذیرد. نکته مهم دیگری که حاکی از توجه ویژه وزارت به دانشگاه تهران است، تعداد بورسیه‌ای است که به دانشگاه تهران اختصاص یافته که بیش از سه برابر این میزان در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی است، در حالی که میزان نیمه‌بورسیه (۵) و تحصیل به هزینه شخصی در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی در حدود دو برابر دانشگاه تهران می‌باشد.



نمودار ۲: مقایسه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی و دانشگاه تهران در پذیرش دانشجوی غیرایرانی

۴) نتیجه‌گیری

بررسی سیاست‌های جذب و پذیرش دانشجوی غیرایرانی و همچنین روند پذیرش و تحولات آن‌ها حاکی از نقایص و کمبودهایی است که می‌توان با بازنگری و تدوین راهبردی مشخص و همچنین اصلاح مشکلات موجود به حل آن‌ها فائق آمد.

نکته نخست اینکه سیاست جذب و پذیرش دانشجوی غیرایرانی یکی از سرخط‌های مهم سیاست‌گذاری آموزشی کشورهای جهان بوده و با

سیاست جذب دانشجوی غیرایرانی: اهداف و ... / ۷۴۱

رویکردهای متفاوتی همچون فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مورد توجه دولت‌های توسعه‌یافته و در حال توسعه قرار دارد. تعداد دانشجویان خارجی در ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۸۰ برابر ۳۱۱۸۸۲ نفر بود و در سال ۲۰۰۱ به رقم ۵۴۷۸۶۷ نفر افزایش یافت. در فرانسه تعداد دانشجویان خارجی در سال ۱۹۸۰ تنها ۱۱۰۷۶۳ نفر بود که در ۱۹۹۳ به ۱۳۹۵۶۲ نفر بالغ گردید (۶). دانشگاه گلاسکو انگلستان با ۲۰۰۰۰ نفر دانشجو نزدیک به ۱۵٪، یعنی ۳۰۰۰ نفر دانشجوی خارجی را در خود جای داده است. در ژاپن نیز در سال ۱۹۸۳ میلادی تنها ۱۰ هزار دانشجوی خارجی در دانشگاه‌های این کشور مشغول به تحصیل بودند که این تعداد هم‌اکنون به ۱۰ برابر افزایش یافته و دولت ژاپن تصمیم گرفته است که در سال ۲۰۲۵ میلادی تعداد این دانشجویان را به یک میلیون نفر افزایش دهد (۷). این موضوع مورد توجه کشورهای جنوب واقع شده و از روند رو به رشدی برخوردار بوده است. تعداد دانشجویان خارجی در ترکیه در ۱۹۸۰ برابر ۶۶۵۵ نفر بود، اما در ۱۹۹۶ به ۱۴۷۱۹ نفر افزایش یافت و تعداد ۳۹۸۶ دانشجوی خارجی در جمهوری آذربایجان و تعداد ۶۷۲۶ نفر در مصر در سال ۱۹۹۶ قابل توجه است. این موضوع به دلایلی که گفته شد در جمهوری اسلامی ایران نیز مورد توجه کافی نبوده است و از آهنگ رو به رشدی نیز برخوردار نبوده است. چنانچه تکلیف جذب و پذیرش دانشجویان ایرانی دارای تابعیت بیگانه یا دانشجویان غیرایرانی که در داخل کشور مدرک دبیرستانی اخذ کرده‌اند روشن گردد، به نظر می‌رسد که افزایش چشمگیری در این روند صورت پذیرد.

نکته دوم اینکه گرچه تمرکز دانشجویان غیرایرانی در یک دانشگاه که خارج از تهران ولی نزدیک به تسهیلات پایتخت باشد تا امکانات کافی و

۷۴۲ / بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران —
درخور شأن جمهوری اسلامی تدارک گردد، ایده قابل توجهی است اما
گسترش مراکز آموزش عالی کشور و رشد علمی و امکانات رفاهی آنها در
سال‌های اخیر نیاز به بازنگری را موجه ساخته و دانشگاه‌های بزرگی که در
استان‌های مرزی کشور شکل گرفته یا با حمایت از دانشگاه‌های بزرگ بتوان
شعب و پردیس‌هایی در مراکز استان‌های مرزی دایر کرد کمک بسیاری به
داوطلبان کشورهای همجوار ایران می‌کند. تعداد داوطلبان پذیرفته‌شده که
عمدتاً از کشورهای همسایه‌ای چون افغانستان و پاکستان و عراق هستند
گویای این مهم است. اگر جمهوری اسلامی هنوز به سطحی از علم نرسیده
باشد که محل تمرکز دانش‌پژوهان و دانشجویان کشورهای توسعه‌یافته باشد،
حداقل نباید از این موقعیت همسایگی کشورهای کمتر توسعه‌یافته که
می‌تواند برای ارتقای سطح علمی آنها و در نتیجه خود مفید باشد غفلت
نماید.

پی‌نوشت‌ها

۱. سردار دکتر جعفر اصلاتی (عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بقیةالله وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)، مصاحبه با برنامه تلویزیونی صبح‌گاهی «مردم ایران سلام»، ۱۳۸۵/۷/۶ (مصادف با روز پاسدار).
۲. بزرگ‌مهری، مجید، «پذیرش دانشجوی خارجی در کشور: تجربه‌ها و راهکارها»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال ۲۱، شماره ۵ و ۶، بهمن و اسفند ۱۳۸۵، ص ۱۹۱-۱۹۳.
۳. حسن‌پور، نرجس، «تاریخچه و عملکرد دبیرخانه پذیرش دانشجویان خارجی»، گزارش، شماره ۱۶/۱۹۰ تاریخ ۱۳۸۵/۱۰/۹.
۴. همان، ۱۳۸۶/۲/۱۰.
۵. هزینه تحصیل این دانشجویان رایگان بوده و از سوی وزارت به دانشگاه پرداخت می‌شود.
۶. بزرگ‌مهری، مجید، همان.